

نقش زن در سلامت خانواده

مژگان زینیوند

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)

چکیده

امروزه اختلال در نظام مقدس خانواده و بی اعتنائی به اصول ضروری و ارزشهای آن، پایه‌های اصلی زندگی را به تباهی کشیده است. از این رو، دوران معاصر را «بیگانگی انسان از انسان» که به بیماری غیرقابل علاج «بیگانگی انسان از خویشتن» منتهی شده است، نامیده‌اند. در نظام ارزشی اسلام، خانواده منزلت و قداست ویژه‌ای دارد و در محیط خانواده، زنان مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی را به عهده دارند. در نوشتار حاضر، به ضرورت وجود زن در خانواده و آرامش و امنیت روحی که یکی از نیازهای اساسی انسانهاست، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

زن، آرامش، خانواده، کرامت.

مقدمه

m.zeinivand1371@gmail.com

خانواده از دیرزمان رکن اساسی جوامع انسانی به شمار می رفته که هم با ضرورت زندگی و هم با سرشت و طبیعت انسانی سازگار بوده است. در نظام ارزشی اسلام خانواده از منزلت و قداست خاصی برخوردار است و در محیط خانواده، زنان مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی را برعهده دارند. زن علاوه بر وجهه انسانی خویش و نیز نقش اجتماعی اش در سطح جامعه، در سطح خانواده نیز دارای نقش و مسوولیت‌هایی است که تربیت صحیح فرزند و پاسداری از کانون گرم خانواده از مهمترین این نقش‌هاست. ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر یکی از اهداف مهم ازدواج برشمرده شده است. وجود صفا، یکرنگی و صمیمیت در خانواده علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف بوده و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر عمل می کنند. در این میان با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان نقش آنان در تامین بهداشت روانی خانواده چشمگیرتر است. خداوند در قرآن می فرماید: از نشانه های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش پیدا کنید و میان شما مودت و رحمت برقرار ساخت. زن می تواند روحیه خسته و نا امید همسرش را در برابر مشکلات، تغییر دهد و یا دست کم سنگ صبور ناراحتیهای او باشد.

اسلام و کرامت بخشی به زن

ویل دورانت می نویسد:

اینکه آیا زن در حکم برده و اسباب خانه است، یا فقط آرایش و زینت اجتماع، یا جز لذت جنسی چیزی نیست، پدیده‌های بود که بر مردم قرنهای پیشین معلوم بود. عقیده «یهوه» نیز چنین بود؛ او در بند آخر از فرمانهای دهگانه‌اش - که به قول مشهور به موسی فرستاده زنان را در ردیف چارپایان و اموال غیرمنقول ذکر کرد. قوم یهود، زن را مایه مصیبت و بدبختی می دانستند؛ وجود او فقط از آن رو قابل تحمل بود که یگانه منبع تولید سرباز بود. (جایگاه زن از نگاه اسلام، ش ۱۰۴، ص ۴۶)

در آیین مسیحیت با آنکه حضرت مسیح همه انسانها را به طور یکسان مورد لطف و عنایت خود قرار می داد، پیشوایان این دین، تعالیم مسیح را نادیده می‌گرفتند و زن، نزد آنان همان مقامی را داشت که کشیش اعظم و یوحنا زین دهن، بدان معتقد بود.

زن در فرهنگهای یونانی، یهودی و مسیحی، وسیله‌های برای لذت مرد و خدمت به او بوده است و حق مالکیت مستقل را حتی اگر ارث وی یا حاصل دسترنج و تلاش خودش باشد، نداشت. امروزه نیز با وجود تغییر شکل و عنوان ظاهری این عقاید، در غرب زن را همچنان برای فرونشاندن شهوت و لذت مردان و نیز برای کار در ادارات و کارخانه‌ها می خواهند. (همان)

در زمان جاهلیت نیز زن هیچ ارزشی نداشت و با او همانند کالا رفتار می‌شد. ویل دورانت موقعیت زن در زمان جاهلیت را این گونه ترسیم می‌کند:

هر پدری اگر می‌خواست می‌توانست دختر خود را پس از تولد، زنده به گور کند و اگر نمی‌کرد، دست کم از تولد وی غمگین میشد و از شرمندگی، روی از کسان پنهان می‌داشت؛ زیرا احساس می‌کرد که کوشش وی به هدر رفته است. جاذبه طفولیت او چند سالی بر پدر نفوذ داشت و همین که به سن هفت یا هشت سالگی می‌رسید، می‌توانست به هر کدام از جوانان قبیله که مورد رضایت پدر بود و بهای عروس را می‌پرداخت شوهر کند ...

با این حال، زن کالایی بیش نبود و جزو دارایی پدر، شوهر یا پسرش به شمار می‌رفت که او را با چیزهای دیگر به ارث می‌بردند. وظیفه زن، چیزی جز زادن و پروردن مردان جنگجو نبود. (همان)

با ظهور اسلام، غبار خواری و تحقیر از چهره زن زدوده شد و کرامت انسانی‌اش به او برگشت. بدین گونه، زن احساس کرد که انسانی است دارای حق حیات و کرامت.

سید قطب نیز در این باره می‌گوید:

اگر بزرگداشت و تکریم شریعت الهی اسلام نبود، امکان نداشت که زن، هویت واقعی اش را احراز کند. اسلام با روشی شایسته و بایسته، کل بشریت را - اعم از زن و مرد - تکریم کرد و جایگاه رفیع بشر را که حامل نفخه‌ای از روح الهی است، ترسیم نمود و این

گونه بود که زن، مقام و منزلت خویش را باز یافت. با این نگرش، انسان تولدی دوباره یافت؛ چراکه ارزشهای آسمانی و ملکوتی، جایگزین ارزشهای مادی و زمینی شد، و مالک ارزش، روح با کرامت انسانی شد که با پروردگار خویش پیوند خورده است. در این جهت زن و مرد تفاوتی ندارند. (همان)

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، مردان و زنان مسلمان را در کسب فضایل و دریافت غفران و پاداش عظیم، مساوی معرفی می فرماید:

به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و زنان صابر، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (احزاب: ۳۵)

آموزه حرمت نهادن و کرامت بخشیدن به زن از سوی اسلام تا آنجا در میان پیروانش به بار نشست که یهودبن موسی بن طیون با استشهاده به کلام یکی از حکمای اسلامی گفته است: «هیچ کس زن را محترم نمی شمرد، مگر آنکه خود محترم باشد و هیچ کس آنان را خوار نمی شمرد، مگر آنکه خود خوار باشد.»

در چنین شرایطی خداوند حکیم به پیامبر اسلام، دختری عطا می کند تا او با رفتار عاشقانه و عاطفی داشته باشد و کرامتش زن را اصلاتی دوباره ببخشد و مفهوم کوثر را به همه جهانیان بنمایاند. دین اسلام از حقوق زنان دفاع می کند و ماهیت انسانی زن و مرد را یکسان می داند و مالک برتری را فقط در تقوا و پرهیزگاری معرفی می کند. پیامبر اعظم نیز با رفتار پر مهر و عطوفتش با زنان، ادای حقوق انسانی شان و سفارش مردان به پرهیز از خشونت در مورد آنها، انقلابی عظیم در شیوه نگرش به زنان پدید آورد. مواردی از توجه و جهت گیری خاص اسلام به زنان عبارتند از:

۱. خوش رفتاری با زنان در خانواده

خداوند در سوره نساء می فرماید: «... و عاشروهن بالمعروف ...؛ ... با زنان به نیکی (و مهربانی) رفتار کنید...». قرآن کریم حتی در مورد طلاق که با کینه توزی و آزار روحی همراه است به مردان دستور می دهد که رفتاری بدون خشونت با زنان داشته باشند: هرگاه زنان را طلاق دادید...، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید... (بقره: ۲۳۱)

۲. دوستی زنان و برتری ایمان

در روایات اهل بیت آنچه بر محبت و دوستی زنان تأکید شده است که این مسئله مالکی برای سنجش ایمان افراد مؤمن شناخته می شود. البته این امر به معنای اطاعت بی چون و چرای مردان از زنان نیست، بلکه نیکی کردن و محبت به آنها مورد نظر است که در زندگی مشترک سبب آرامش و در نتیجه کمال و تعالی طرفین می شود؛ به همین دلیل است که ازدواج سبب کامل شدن نیمی از دین می شود.

پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «نزدیکترین شما به جایگاه من در روز رستاخیز، کسانی هستند که با همسرانشان بهتر رفتار کنند». (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۹)

۳. مبارزه با تفکر غلط برتری انگاری پسر

قبل از اسلام، داشتن پسر افتخاری بزرگ و داشتن دختر ننگ و عار بود و یکی از دلایل زنده به گور کردن دختران رواج همین تفکر غلط بود. پیامبر اکرم (ص) با برخورد کریمانه اش با دختران به ویژه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نقش زیادی در از بین بردن این عقیده غلط در میان مردم داشت. ایشان در حضور دیگران حضرت فاطمه را می بوسید و وی را پاره تن خود می خواند و خشم و غضب

فاطمه را خشم و غضب خداوند می دانست و می فرمود: بهترین فرزندان شما، دختران هستند» (کنز العمال، ج ۱۸، ح ۴۹۳۹۹) و یا «دختران مهربانند، آماده کمک می باشند و وجودشان مبارک است». (همان، ح ۴۵۳۷۴)

۴. برخورد عاطفی و محبت به دختران

در روایت آمده است که پیامبر اکرم (ص) دخترش، حضرت فاطمه را بسیار تکریم می نمود. احترام پیامبر (ص) به دخترش بیش از آن چیزی بود که مردم تصور می کردند، نیز بیش از احترام معمول پدران به دخترانشان بود. آن حضرت بارها در برابر دوستان و بستگان و نیز در مقابل مردم می فرمود: «فاطمه سرور زنان جهان است؛ فاطمه همچون حضرت مریم دختر عمران است». (بحار الأنوار، ج ۱۰۹، ص ۳۲) احترام گذاردن به دختران و تکریم آنها در سیره معصومین هم دیده می شود. نقل شده است که امام صادق دختری داشت که از دنیا رفت و آن حضرت یک سال برای او عزاداری کرد.

در سیره اهل بیت در برخی موارد حتی دختران بر پسران ترجیح داده شده اند. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «در هدیه و بخشش به فرزندان خود بین آنها به مساوات رفتار نمایید و در صورتی که ناگزیر از ترجیح برخی از آنها بر برخی دیگر باشید، دختران را بر پسران ترجیح دهید». (همان، ج ۱۰۴، ص ۶۹) امام صادق (ع) نیز می فرماید: «دختران حسنه هستند و پسران نعمت، به واسطه حسنات اجر عطا می شود و از نعمتها سؤال می شود». (همان، ۹۰)

۵. بزرگداشت مقام مادران

اسلام به زن در جایگاه مادری ارزش و حقوق والایی داده است که بسیاری از سردمداران فمینیسم می کوشند این منزلت را از زن بگیرند و فرزنددار بودن زنان را عامل خواری و نقش زن در آرامش خانواده کوچک شدن او معرفی کنند. آنها زنانی را که از داشتن فرزند و مادر بودن به خاطر انجام وظایف مردانه در جامعه و یا بهره گیری بیشتر از لذایذ دنیوی می گریزند، ستایش می کنند. از امام باقر (ع) نیز روایت شده است:

حضرت موسی (ع) به خداوند گفت که مرا نصیحت کن. خداوند فرمود: «به مادرت نیکی کن». حضرت موسی بار دوم، خواسته اش را تکرار کرد. خداوند فرمود: «به مادرت نیکی کن». حضرت موسی برای بار سوم گفت که مرا نصیحت کن و همان جواب را شنید. بار دیگر تکرار کرد و خداوند فرمود: «به پدرت نیکی کن». (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

نقش زن در خانواده از دیدگاه قرآن

۱. حفظ آرامش در خانواده

با توجه عاطفی بودن زنان نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشمگیرتر است. زن میتواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم، سنگ صبور ناراحتیها و آلام وی باشد. همچنان که میتواند در تضعیف روحیه همسرش نقش زیادی داشته باشد و حداقل او را از خود رنجیده و آزرده خاطر سازد و موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند. هنگامی که پارسایی و خلوص حضرت ایوب (ع) بر شیطان گران آمد، ابلیس از خداوند درخواست کرد که به او اجازه دهد ایوب (ع) را بیازماید. خداوند اجازه داد و از سه سو باران بلا بر ایوب (ع) بارید. نخست مال، سپس خانواده و در آخر، تنش در معرض بلا قرار گرفت. ابلیس همچنان در ادامه آزار دادن ایوب (ع)، این بار به کمک عفریتهای تحت فرمانش، کوشید وفاداران ایوب (ع) را نیز وسوسه کند تا دست از پشتیبانی او بردارند.

همسر ایوب (ع) نیز که در همه این صحنهها همراه و پشتیبان همسرش بود، در برابر این وسوسه شیطان که گفت بود اگر خدا ایوب را دوست می داشت، او را به این مصایب مبتلا نمی ساخت، نتوانست مقاومت کند و به جای دلداری دادن به همسرش، القانات ابلیس را به او منتقل کرد. ایوب (ع) که از این سخنان ملال آور و پذیرش وسوسه های شیطان، بیش از آن بلاها ناراحت شده بود، قسم یاد کرد که اگر خداوند او را شفا داد، همسرش را با ضرباتی تأدیب نماید. (تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۲۱)

خداوند متعال ایوب علیه السلام را شفا داد و او را به وفای به عهده‌ی که با خدا بسته بود فراخواند، ولی به پاس حمایت‌های بی‌دریغ این زن فداکار از همسرش، دستور داد تا ایوب(ع) به جای ضربات متعدد تازیانه، دسته‌ای چوب ترکه در دست بگیرد و تنها یک بار به همسرش بزند. (همان، ر.ک: ص ۴۴) در واقع، قرآن کریم با تأیید این عهد، ناخشنودی خود را از ترک پشتیبانی مقطعی آن زن از همسرش (که با تأثیر القانات شیطان بود) اعلام کرد و با تخفیف بسیار زیادی که در مجازات او داد رضایت خود را از پشتیبانی وی از همسرش ابراز نمود.

۲. خانه‌داری

نقش زن در اداره امور منزل اهمیت خاصی دارد و اگرچه زن از نظر حقوقی در این زمینه تکلیفی ندارد، فضای عشق و صفا و محبت خانواده اقتضا می‌کند که زنان همدوش مردان برای ایجاد رفاه و آسایش خانواده تلاش کنند و با حسن سلیقه که برخاسته از روحیه مهربان و هنرمند آنان است، کانونی آراسته برای پرورش نسل آینده فراهم کنند. (رساله توضیح المسائل، مسئله ۲۴۱۴)

در الگویی که قرآن کریم برای خانه‌داری بانوان ارائه می‌دهد، به طور مشخص بر شیوه پذیرایی آنان از میهمان تأکید می‌کند و با بیان داستان ورود فرشتگان به منزل حضرت ابراهیم(ع) نمونه روشنی از جلوه‌های رفتار زنی خانه‌دار را بیان می‌کند. در سوره هود آمده است:

و فرشتگان ما برای ابراهیم بشارت آوردند، گفتند: سلام. گفت: سلام و چیزی نقش زن در آرامش خانواده نگذشت که ابراهیم برای آنان گوساله‌ای برپان شده آورد. و چون دید که دستانشان به سوی آن دراز نمی‌شود، به آنان احساس بیگانگی کرد و از آنان ترسی در دل یافت. گفتند: مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم و همسر او ایستاده بود و (از بشارت الهی) خندید، آنگاه او را (به بارگرفتن و زادن) اسحاق و پس از اسحاق، به یعقوب بشارت دادیم. (هود: ۶۹-۷۱)

عوامل آرامش در محیط خانواده

۱. سیاست‌گذاری

قدردانی از زحمات و خدماتی که برای انسان، صورت می‌گیرد، وظیفه‌ای اسلامی و انسانی به ویژه در روابط همسری است. از این رو، لازم است که مرد، فداکاری و ایثار زن را در اداره امور خانه و تربیت فرزندان ارج نهد و از او به خاطر این همه خدمات شایسته، سیاست‌گذاری کند. زنی که بار مشکلات منزل را بر دوش می‌کشد و آن را با شوق رضایت‌مندی شوهر تحمل می‌کند، نیازمند لبخند تشکرآمیز همسر است. مرد نیز برای اداره هرچه بهتر زندگی و آسایش خانواده‌اش تلاش می‌کند، هرچند آن را وظیفه می‌داند، شایسته است که از زحمات او قدردانی شود. تشکر زن و شوهر از یکدیگر، خستگی و رنج مشکلات را می‌کاهد.

۲. اظهار محبت

انسان، نیازمند محبت است؛ انس و الفتها با محبت به وجود می‌آید. در محیط خانه نیز لازم است که زن و شوهر به این اصل عاطفی توجه کنند؛ زیرا دختر پس از ترک خانه پدر و با شروع زندگی مشترک، دل به شوهر می‌بندد؛ محبت شوهر باید بتواند جای محبت پدر و مادر را بگیرد و مرد باید از اظهار زبانی این محبت نیز دریغ نکند.

نتیجه‌گیری

اسلام به وظایف زن در خانواده توجه ویژه‌ای دارد در حالی که دیدگاه غرب درباره زن سبب فاصله گرفتن وی از عناوین مادری و همسری و مسئولیت‌های مربوط به آن شد و فقط به او به چشم کالایی می‌نگرد که باید از او استفاده کند و این نتیجه‌ای جز تزلزل کانون خانواده نخواهد داشت. آرامش و امنیت روحی همانند غذا، پوشاک و مسکن از نیازهای اساسی انسان هاست. از این رو موفق‌ترین مکتب‌ها، مکتبی است که برنامه‌هایش بر اساس فطرت و تمایلات کنترل شده انسان بوده نیازهای برونی و درونی او را برآورده

نماید. این کانون برای آنکه پایه‌های محکم داشته باشد نیازهایی دارد و کسانی باید این نیازها را برطرف کنند در این کاون زن در کانون خانواده نقش به‌سزایی در آرامش خانواده دارد.

منابع

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن کریم، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- بی‌نا، «جایگاه زن از نگاه اسلام»، مبلغان ۱۰۴، خرداد و تیر ۱۳۸۷.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹هـ.ق.
- سید قطب، فی ظلال قرآن، ترجمه علی خامنه‌ای، تهران، نشر ایران، ۱۳۶۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴هـ.ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، رساله توضیح المسائل، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، بی‌تا.
- هندی برهان، حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت، انتشارات مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳هـ.ق.